

اخلاق مشارکت در سازمان‌های مردم‌نهاد (مطالعه موردی؛ بسیج مستضعفان انقلاب اسلامی)

نویسنده: مهدی براتعلی پور^۱

تاریخ دریافت: ۹۳/۹/۲۷

تاریخ پذیرش نهایی: ۹۳/۱۲/۱۰

فصلنامه مطالعات راهبردی بسیج، سال هفدهم، شماره ۶۵، زمستان ۱۳۹۳

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی «بایسته‌های نظری اخلاق مشارکت در سازمان‌های مردم‌نهاد (مطالعه موردی؛ بسیج مستضعفان انقلاب اسلامی)» انجام شده است. این پژوهش به لحاظ هدف، بنیادی و به لحاظ روش، تفسیری (هرمنوتیک متن‌محور) بوده و گردآوری داده‌ها نیز به شیوه اسنادی، شامل دو سند بالادستی اساسنامه واحد بسیج مستضعفان و برنامه پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران صورت گرفته است. به لحاظ چارچوب نظری، این پژوهش بر بنیان‌های معرفت‌شناختی و اجتماعی کامیونتاریانیسم اترئیونیایی در بستر سیاسی دولت‌های ملی دارای فرهنگ گوناگون استوار است. بر اساس یافته‌های پژوهش، اخلاق مشارکت در بسیج مستضعفان انقلاب اسلامی تأمین امنیت روانی و سخت‌افزاری، فعالیت در زمینه‌های آموزشی، بهداشتی، فرهنگی و عمرانی و امدادسانی هنگام بروز بلایای طبیعی را دربر می‌گیرد. مطالعه موردی نشان می‌دهد این اخلاق به درجات متفاوت بر پایه‌گذاری مفاهیم خیر بر بنیان‌های مشترک جماعت‌های خاص و انتخاب‌های فردی در ارزشگذاری مؤثر ابتننا دارد. بر این اساس، در کنکاش از درون مایه‌های اصلی اخلاق مشارکت در سازمان‌های مردم‌نهاد، همنوایی جماعتی بیش از شناسایی تفاوت‌ها تأکید می‌گردد.

واژگان کلیدی

انقلاب اسلامی، اخلاق مشارکت، سازمان‌های مردم‌نهاد، بسیج مستضعفان



پیروزی انقلاب اسلامی، اصلاح ساختارهای اساسی نظام اجتماعی را با اولویت بخشیدن به سازمان‌های مردم‌نهاد در رأس سیاست‌های اجتماعی قرار داد. اخلاق مشارکت به‌مثابه نقطه کانونی در این‌گونه سازمان‌ها هم‌زمان با پیدایش و سازمان‌یابی آنها به‌طور چشمگیری رشد یافت. آرمان انقلاب اسلامی در وجه مطالبات برابری جویانه به شکل‌گیری و گسترش سازمان‌های مردم‌نهادی یاری رساند که این مطالبات را نه در برنامه‌ها و اقدامات دولتی، که فزون‌تر با اتکای بر جماعت‌های خودانگیزخته و ارزش‌مدار جستجو کرد. این پژوهش به دنبال آن است تا بایسته‌های نظری اخلاق مشارکت را در سازمان مردم‌نهاد بسیج مستضعفان انقلاب اسلامی از رهگذر گردآوری داده‌ها به شیوه اسنادی شامل دو سند بالادستی اساسنامه واحد بسیج مستضعفان و برنامه پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران مورد مطالعه قرار دهد و طی یک بررسی آسیب‌شناختی نشان دهد که این‌گونه خاص از اخلاق تا چه میزان در این اسناد به شکل کارکردی بازتاب یافته است. این پژوهش به لحاظ هدف، بنیادی و به لحاظ روش، تفسیری (هرمنوتیک متن‌محور ریکور) است.

مدعای پژوهش آن است که اخلاق مشارکت در سازمان‌های مردم‌نهاد برآمده از انقلاب اسلامی ایران (مطالعه موردی؛ سازمان بسیج مستضعفان انقلاب اسلامی) بر «هم‌نوایی جماعتی» و «شناسایی تفاوت‌ها» اتکا دارد. در این مفهوم از اخلاق، از یک سو مفاهیم خیر بر بنیان‌های مشترک جماعت‌های خاص استوار می‌گردد و از دیگر سو، نقش انتخاب‌های فردی در ارزش‌گذاری‌های مؤثر برجسته می‌شود. بدین‌سان، مسئولیت‌های اجتماعی و حقوق فردی با یکدیگر آشتی می‌یابند. پیامد اجتماعی این سیاست، تأمین امنیت عمومی و رفاه اجتماعی با دوری جستن از سیاست‌های حمایتی دولت‌محور است.

به لحاظ پیشینه پژوهش، اجزا و عناصر موضوع «اخلاق مشارکت در سازمان‌های مردم‌نهاد» به شکل تفکیکی و در چارچوب این واژه یا مفاهیم نزدیک به آن، در پژوهش‌های بسیاری مطرح نظر بوده است. در این پژوهش‌ها، مفهوم اخلاق مشارکت^۱ (Cludts, 1999) بسیار کمتر از مفاهیمی چون اخلاق مشارکتی^۲ (Cahill, et.al, 2007)، اخلاق مسئولیت^۳ (Plaks, 2009; Lindh, et.al, 2007; Mcmillan, 2006)، مسئولیت اخلاقی^۴ (Schweiker, 2009; Russell, 2006)

1. Ethics of Participation.
2. Ethics of Participatory or Participatory Ethics.
3. Ethics of Responsibility.
4. Moral or Ethical Responsibility.



(et.al, 2005)، مشارکت اخلاقی^۱ (Hovey 2004; Daley 1991)، تعهد اجتماعی^۲ (Fangerau 2009;) و مانند آن به کار رفته است. اخلاق مشارکت در مبنا، چارچوب نظری و شکل آن با واژه‌های مترادف خود تفاوت دارد. مبنای این اخلاق بر غایت‌گرایی (و نه قرارداد اجتماعی یا سودگرایی) استوار است. چارچوب نظری آن، دست‌کم در این پژوهش، اندیشه کامیونتاریانیسم است که جماعت‌ها را گنجینه ارزشمندی از تولیدات فرهنگی و یگانه پاسدار آن تلقی می‌کند. شکل آن نیز با اذعان به اشتراک‌های حداقلی، در جوامع متفاوت به گونه‌های متفاوت قابل تصویر دانسته می‌شود.

همچنین تبیین مفهومی سازمان‌های مردم‌نهاد (Krishnan, 2007)، کارویژه‌های آن (Bloodgood, et.Al, 2014) و رابطه آن با دولت (Chowdhury 2007; Coston 1998) در حوزه‌های جغرافیایی مشخص (Jacobsson, et.al, 2013; Shivji 2007; Patry 2005) پژوهش‌های گسترده‌ای را به خود اختصاص داده است. بسیج مستضعفان انقلاب اسلامی و به‌طور خاص کارویژه‌های آن نیز در تعدادی از پژوهش‌های داخلی به عنوان مطالعه موردی بررسی شده است (محمدی و همکاران، ۱۳۸۹؛ صلاحی و همکاران، ۱۳۹۰؛ بابایی طلائی و همکاران، ۱۳۹۰؛ ذوالقدر و همکاران، ۱۳۹۰؛ ساعد، ۱۳۸۶؛ الیاسی، ۱۳۸۴). با این وجود، موضوع اخلاق مشارکت در سازمان‌های مردم‌نهاد و به‌ویژه مطالعه این مفهوم در بسیج مستضعفان انقلاب اسلامی، به نظر می‌رسد امتیاز منحصر به فرد این نوشتار است.

۱. بنیان‌های نظری و تعریف مفاهیم

۱.۱. روش‌شناسی تفسیری هرمنوتیک متن محور

پل ریکور (۱۹۱۳-۲۰۰۵) اندیشمند فرانسوی با وجود رویکرد هرمنوتیک هستی‌شناسی، هرمنوتیک را به سوی روش‌شناختی سوق داده و آن را درگیر جستجوی معنا می‌سازد. او با توسعه‌ای که به گفتمان نوشتاری^۳ و متن^۴ می‌دهد، پدیدارشناسی هرمنوتیکی را به قلمرو تفسیر متن، سمبل، استعاره، روانکاوی، رؤیا و اسطوره‌شناسی تحلیل عمل اجتماعی نیز می‌کشد که با تفسیر نمادها، راه‌یافتن به معنای درونی هر سمبل آغاز می‌شود. در این نگرش، تفسیر، گستره‌ای فراخ دارد و هر جا پدیده چندمعنایی^۵ وجود دارد، به دلیل پیوند با زمینه^۶ نیازمند تفسیر است. الگوی تفسیر متن نوشتاری، در فهم رفتارهای معنادار انسانی، امور تاریخی و اعمال اجتماعی نیز کارایی دارد. «گفتمان»

1. Moral or Ethical Participation.
2. Social Commitment.
3. Written Discourse
4. Text
5. Polysemy
6. Context



معنای قضیه را غیر از مفاد^۲ آن می‌داند. معنا آن چیزی است که هر قضیه و ساختار زبانی واجد آن است اما مفاد تنها در گفتمان موجود می‌شود.

تفسیر، در این معنای وسیع، فرایندی است که به کمک آن، تمامی عوامل زمینه‌ای قابل دستیابی را به خدمت می‌گیریم تا دریافت معنای واقعی یک پیام در یک موقعیت خاص میسر شود. در گفتمان نوشتاری که آن را «متن» می‌نامد، نخست معنا بر متن پیشی دارد. دوم، ممکن است معنای متن فراتر از قصد مؤلف باشد. سوم، متن می‌تواند از شرایط اجتماعی - تاریخی پیدایش خود فاصله گیرد و زمینه‌زدایی^۳ شود. چهارم، در متن این امکان وجود دارد که از محدودیت‌های مدلول و محکی ظاهر رها شود. ویژگی‌هایی که ریکور برای تفسیر قائل است، چون استقلال معنایی متن از قصد مؤلف و گسست پیوند میان متن و زمینه پیدایش آن، تمایز نهادن میان معنا و مفاد، نگرش کل‌گرایانه و وابستگی شیوه کلیت و اصل و فرع آن به حدس مفسر و به خود اختصاص دادن متن به عنوان مرحله پایانی تفسیر، همه از مواردی است که هر یک زمینه نوعی نسبی‌گرایی و فرو افتادن در وادی شک‌گرایی در امر تفسیر است. او باور دارد که نمی‌توان به روش تأیید تجربی تفسیری را مطابق واقع^۴ دانست، بلکه معیار ارزیابی و اعتبار،^۵ منطق احتمال^۶ است و باید دید کدام قرائت محتمل‌تر است. بدین ترتیب، او می‌کوشد تا از شکاکیت بگریزد (ر.ک: ریکور، ۱۳۸۴؛ ریکور، ۱۳۸۶؛ ریکور، ۱۳۹۲؛ سعیدی روشن، ۱۳۸۳).

۲.۱. چارچوب نظری؛ کامیونتاریانیسم اتریونیایی

چارچوب نظری این پژوهش بر بنیان‌های معرفت‌شناختی و اجتماعی کامیونتاریانیسم اتریونیایی در بستر سیاسی دولت‌های ملی دارای فرهنگ گوناگون استوار است. این اندیشه با نفی سوبه‌های دموکراتیک‌ستیز ارزش‌های اجتماعی، در پی آن است تا فضیلت مدنی را با انتخاب‌های فردی پیوند زند. اولویت اخلاقی و قانونی بخشیدن به جماعت‌ها در شکل افراطی آن به نادیده گرفتن فرد و توانایی‌های او منجر می‌شود. انسان همشکل و یک‌قواره که از تفاوت و خلاقیت حکایت نمی‌کند، فرآورده حاکمیت قدرتی سرکوبگر و توتالیتر است. در چنین جامعه‌ای، دولت اقتدارگرا همه فعالیت‌ها را به نمایندگی از مصلحت عمومی در اختیار دارد. بر اساس این نگرش، افراد به‌طور مستقیم فضیلت‌های زندگی خود را بر نمی‌گزینند، بلکه از طریق ارزش‌های مشترک

1. Senes
2. Reference
3. Decontextualise
4. Truth
5. Validity
6. Probability



جامعه تأثیر می‌پذیرند. فزون‌تر، وجود آزادی‌های اساسی برای افراد ادعایی بیش نیست؛ زیرا در بسیاری موارد، رفتار افراد و گروه‌های اجتماعی از طریق شبکه‌های قدرت و ثروت کنترل شده و سازمان می‌یابد. بی‌تردید، حفظ و تداوم آزادی بسان همه ارزش‌ها و فضیلت‌های عمومی به خود جامعه و نهادهای اجتماعی بستگی دارد. ورود این سلسله از مفاهیم به گنجینه ارزشمند جامعه و تبدیل آن به یک فضیلت عمومی، تضمینگر پاسداشت همگانی آن است و بدون طی این مسیر هرگز نمی‌توان از جامعه انتظار داشت که نسبت به آن حساسیت داشته و در تعاملات روزمره بدان پای‌بند باشند (Cawley III, Martin; Johnson, 2000; Van Dijk, et.al, 2002). در این معنا، جامعه و ارزش‌های آن به‌مثابه ابزاری برای کنترل افراد و نهادهای مدنی به کار گرفته می‌شود. در برابر این نگرش افراطی، کامیونتریانیسم اترزیونیایی جماعت‌ها را در شکل آرمانی خود واجد فضیلت‌های مشترک و قلمرویی داوطلبانه می‌داند که با قدرت دولتی بیگانه است. هر چه جوامع ارزش‌ها و فضیلت‌ها را درونی کنند، نیاز به تحمیل دولتی کمتر خواهد شد. به این ترتیب، نقش دولت در فرهنگ عمومی به‌مثابه آخرین پناهگاه و راه چاره نگر بسته می‌شود و نمی‌توان از آغاز امید داشت که ورود دولت در این عرصه تحولات چشمگیری برجا گذارد (Etzioni, 1996, p 159-160). این چارچوب نظری در بحث از سازمان‌های مردم‌نهاد به ما کمک می‌کند تا ارزش‌های پایدار اجتماعی را در تقابل با آزادی‌های اساسی تلقی نکنیم و حضور فعالانه این سازمان‌ها را در عرصه‌های گوناگون جامعه نمایانگر تلاش مستمر برای تعمیق ارزش‌ها از طریق حق انتخاب افراد بدانیم. بدین لحاظ، این سازمان‌ها مصادیق بارزی برای باورمندی به تداوم تاریخی نظام معنایی جوامع توأم با خودسامانی افراد به شمار می‌آیند. در اندیشه پیشگامان خردورزی دینی ما، تلاش‌های ارزنده‌ای جهت نشان دادن پیوند فضیلت و آزادی در آموزه‌های سیاسی اسلام شیعی صورت گرفته است (ر.ک: براتعلی پور، ۱۳۸۹).

۳.۱. سازمان‌های مردم‌نهاد

طی دهه‌های اخیر، «سازمان‌های مردم‌نهاد» گسترش فراوانی یافته‌اند. این سازمان‌ها گروه‌های ارادی متشکل از افراد یا تشکلهایی هستند که با عدم وابستگی به دولت‌ها تلاش دارند تا خدمات عمومی ارائه کرده یا از سیاست عمومی حمایت به عمل آورند. فعالیت‌های اصلی این سازمان‌ها نگرانی‌های انسانی مانند حقوق بشر، حفظ محیط‌زیست، امدادسانی در بلایای طبیعی و کمک به توسعه است. این سازمان‌ها اطلاعات و تخصص‌هایی فنی که اغلب دولت‌ها بدان دسترسی ندارند، در اختیار آنها



قرار می‌دهند (Nongovernmental organization (NGO), *Encyclopædia Britannica*, 2012). هرچند بیشتر تعریف‌ها، سازمان‌های مردم‌نهاد را خارج از دولت و فعال در بخش خصوصی می‌دانند، بخش گسترده‌ای از فعالیت‌های آنها در میان دولت‌های محلی، ملی و بین‌المللی است. این ارتباطات و پیوستگی‌ها اهداف و خواسته‌های جامعه را تأمین کرده و بنابراین، مشروعیت را تعمیق می‌سازد و فرایند دموکراتیزاسیون را با درونی‌سازی هنجارها و قوانین جهانی تسریع می‌بخشد. بر این اساس، سازمان‌های مردم‌نهاد بهترین عوامل جهت فراهم ساختن رهبری برای بازسازی اجتماعی در جهان در حال توسعه است (Ghosh, 2009, p 229).

بدین‌سان، سازمان‌های مردم‌نهاد تلاش دارند تا به‌طور مسالمت‌آمیز به شیوه‌های گوناگون بر سیاست عمومی تأثیر بگذارند. هرچند تاکتیک‌های این سازمان‌ها به‌طور چشمگیری از یکدیگر متفاوت است، آنها همگی طراحی شده‌اند تا سیاست‌ها و برنامه‌های دولت‌ها را تحت تأثیر قرار دهند. این امر به دلیل مهارت آنها و دسترسی‌شان به منابع مهم اطلاعات است. تحلیل ارتباط بالقوه بین این سازمان‌ها و دولت‌ها، مسیرهای بالقوه را در توسعه کنونی و آینده جامعه آشکار می‌سازد. در این میان، بررسی علمی شرایط کنونی، چه بسا به راهبردهایی جدید در باب چگونگی تأثیرگذاری بر تغییر سیاست دولتی یا تسهیل آن منجر شود. با این وجود، نقش سازمان‌های مردم‌نهاد رویارویی با صاحب‌منصبان امور عمومی نیست. همچنین آنها نیرویی مخالف برای دولت به شمار نمی‌آیند، بلکه به عنوان مشاورانی برای خدمت‌رسانی نقش‌آفرینی می‌کنند (Geoffroy, et.al, 2010).

۱.۴. اخلاق مشارکت

شهروندی، پویاترین مفهوم اجتماعی جامعه مدرن تلقی شده است. شهروندی توانایی افراد را برای قضاوت درباره زندگی‌شان تصدیق می‌کند؛ بنابراین، ویژگی اساسی شهروندی، وجود اخلاق مشارکت است. شهروندی یک موقعیت فعال است که علاوه بر حقوق، بر وظایف و تعهدات نیز دلالت دارد؛ بنابراین، شهروندی یک مبنای عالی برای اداره امور انسانی به شمار می‌رود. شهروندی به مدد مجموعه حقوق، وظایف و تعهداتش، راهی را برای توزیع و اداره عادلانه منابع از طریق تقسیم منافع و مسئولیت‌های زندگی اجتماعی ارائه می‌دهد. شهروندی فعال در پی توانمندسازی افراد و اجتماعات است و فرایند مشارکت را امری ذاتاً ارزشمند تلقی می‌کند؛ از این‌رو، شهروندی فعال چیزی بیش از افزایش صرف مشارکت عمومی است. شهروندی فعال، خواهان مشارکت



هدفمند است؛ یعنی شهروندان در جهت تبدیل اجتماعی و محل زندگی به مکان بهتری مشارکت فعال داشته باشند. بدین سان به شهروندی امکان مشارکت در برنامه‌ریزی و ارائه خدمات عمومی داده می‌شود (ر.ک: غفاری، ۱۳۹۱).

بنابر فلسفه اخلاق کامیونتریانیستی، یک آموزه مدنی بر سیاست و جامعه حاکم است. این آموزه شالوده همه نهادهای آموزشی و اداری جامعه به شمار می‌آید. اعمال و ارتقای شهروندی فعال از مجرای این نهادها صورت می‌گیرد و به این ترتیب، ارزش‌های شهروندی از آغاز تولد در آنها درونی شده و از فراخوانی بسیار ژرف و عمیق بهره‌مند می‌گردند. به باور مک اینتایر، در جوامع قهرمانی، پیوندهای دوستی از پیوندهای خویشاوندی الگو گرفته‌اند. گاهی، رسماً پیمان دوستی می‌بندند تا با این پیمان وظایف برادری را به‌طور متقابل متحمل شوند. عنصر دیگر در دوستی، وفاداری است. شجاعت دوست من، به من اطمینان می‌دهد که قدرت او به کمک من و خانواده‌ام بیاید. وفاداری دوست من به من اطمینان می‌دهد. کسی که دارای شجاعت است و افزون بر آن، دوستانی دارد که در مواقع لزوم از او حمایت می‌کنند، امیدهایی برای ادامه زندگی دارد. زندگی در جوامع قهرمانی، ارزشمند است. اگر کسانی تو را که دوست یا برادرم هستی بکشند، انتقام از این قتل بر عهده من است. هر چه نظام دوستی و خویشاوندی من گسترده‌تر باشد، تعهداتی که من عهده‌دار می‌شوم، بیشتر خواهد شد. هویت در جامعه قهرمانی، متضمن مسئولیت‌پذیری است. این مسئولیت‌پذیری تنها با مرگ خاتمه می‌یابد و من باید تا دم مرگ به مسئولیت خویش در قبال دیگران و جامعه متعهد بمانم. افزون بر آن، این مسئولیت‌پذیری خاص است؛ به این معنا که صرفاً شامل اعضای جماعت محلی من می‌گردد (MacIntyre, 1981, pp 122-124, 126).

در این معنا، شهروندی مبتنی بر تعهدات - و نه حقوق - در نظر گرفته می‌شود؛ زیرا ارتباط نزدیکی که افراد میان سرنوشت خود و جامعه خود احساس می‌کنند، این امر ادعای حقوق فردی در مقابل منافع جامعه را غیر قابل درک می‌سازد. تعهدات عموماً شکل وظایف قانونی ندارند؛ بلکه شهروندان آنها را فرصت‌هایی برای با فضیلت شدن و خدمت به جامعه تلقی می‌کنند. نهادهای جامعه فرصت‌های بسیاری برای اعمال این فضیلت مدنی^۱ فراهم می‌سازند. بدین ترتیب، شهروندی یک ماهیت کل‌نگر^۲ دارد و تجاوز به آزادی ما تلقی نمی‌گردد. برای شهروند فضیلت مدنی عین آزادی و منبع اصلی افتخار و احترام بود. فضیلت مدنی به زندگی فرد هدف و معنا می‌بخشد؛ از این رو، شهروندی برای وی، هم عمیق و هم پرمایه است (فالكس، ۱۳۸۱، صص ۲۸-۳۰).

1. Civil Virtue
2. Holistic



۲. تشکل یابی بسیج مستضعفان انقلاب اسلامی به مثابه سازمان مردم‌نهاد

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، نیروهای انقلابی به همراه سپاه پاسداران و کمیته‌های انقلاب به منظور تثبیت نظام جدید و استحکام بخشیدن پایه‌های آن به آموزش نظامی مردم پرداختند و مسئولیت آموزش، آماده‌سازی و سازماندهی مردم در ابعاد مختلف را به عهده گرفتند. اما نقطه آغاز شکل‌گیری بسیج در ایران، سخنرانی امام خمینی (ره) در چهارم آذرماه ۱۳۵۸ به شمار می‌آید. ایشان فرمودند: «مملکت اسلامی باید همه‌اش نظامی باشد و تعلیماتش نظامی باشد. باید ملت ما جوان‌هایش مجهز باشند به همین جهاز و علاوه بر جهاز دینی و ایمانی که دارند، مجهز به جهازهای مادی و سلاحی هم باشند. جوان‌ها را یادشان بدهید، همه‌جا باید این‌طور باشد که یک مملکتی بعد از چند سالی که بیست میلیون جوان دارد، بیست میلیون تفنگدار داشته باشد و یک چنین مملکتی آسیب‌پذیر نیست و الان هم الحمدلله آسیب‌پذیر نیست» (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۱، ص ۱۲۱). به دنبال آن، شورای انقلاب اسلامی در تاریخ ۱۳۵۹/۴/۱۹ تشکیل سازمان بسیج ملی را به تصویب رساند. این سازمان ضمن آموزش و سازماندهی همه افراد داوطلب، آنان را برای مقابله با هرگونه تهدید و تجاوز داخلی و خارجی آماده می‌نمود. طی این مصوبه، سازمان بسیج ملی زیر نظر رهبری یا شورای رهبری و وابسته به ریاست جمهوری تشکیل گردید. رئیس این سازمان توسط رهبری یا شورای رهبری منصوب می‌شد و زیرمجموعه‌های آن در هر یک از استان‌ها، شهرستان‌ها، بخش‌داری‌ها و روستاها با کمک و همیاری استانداران، فرمانداران، بخشداران و دهبانان به انجام وظایف محوله می‌پرداختند.

اندکی بعد، طبق ماده واحده‌ای که از سوی شورای انقلاب اسلامی به تصویب رسید، سازمان‌های «آمادگی ملی»، «بسیج غیرنظامی» و «دفاع غیرنظامی» نیز در سازمان بسیج ملی ادغام گردیدند. قانون آمادگی ملی و بسیج غیرنظامی در سال ۱۳۵۴ و قانون سازمان دفاع غیرنظامی در سال ۱۳۵۱ به تصویب رسیده و در سال ۱۳۵۶ اصلاح شده بود. هنوز چند ماه از آغاز فعالیت سازمان بسیج ملی نگذشته بود که اداره آن به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی محول گردید. بر اساس تصویب مجلس شورای اسلامی و تأیید شورای نگهبان در دی ماه ۱۳۵۹ سازمان یاد شده با عنوان «واحد بسیج مستضعفین» در سپاه ادغام و فرماندهی آن به سپاه واگذار شد. تا سال ۱۳۶۹ واحد بسیج مستضعفین به فعالیت در امر وظایف مربوط به بسیج پرداخت تا اینکه در این سال بر اساس مصوبه فرماندهی کل قوا نیروهای پنج‌گانه سپاه تشکیل گردید و «نیروی مقاومت بسیج» به عنوان یکی از این نیروهای پنج‌گانه به‌طور مستقل انجام همه وظایف بسیج را



برعهده گرفت و در حال حاضر نیز کماکان به فعالیت‌های خود در سپاه پاسداران ادامه می‌دهد (برای مطالعه بیشتر، رک: معاونت طرح و برنامه نسا، ۱۳۷۶؛ و عصمتی پور، ۱۳۸۵).

فصل چهارم اساسنامه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، طی مواد ۳۵-۴۲ شامل اساسنامه واحد بسیج مستضعفین می‌شود. بنابر ماده ۳۸ این اساسنامه، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی هسته‌های مقاومت محلی را با همکاری روحانیون و معتمدین محل و شوراهای محلی قانونی در سطح کلیه محلات تشکیل می‌دهد. بنابر ماده ۳۹، گسترش واحدهای محلی بسیج باید به گونه‌ای باشد که در کوتاه‌ترین مدت ممکن، در تمامی محله‌ها هسته‌های مقاومت تشکیل شود. ماده ۳۷ این اساسنامه و تبصره آن، گستره بسیج را در سطح کشور معین می‌کند. بر اساس آن، «هر شهر بسته به وسعت و جمعیت به چند منطقه مقاومت و هر منطقه مقاومت به چند ناحیه مقاومت و هر ناحیه مقاومت به چند پایگاه مقاومت تقسیم می‌گردد که هر پایگاه مقاومت شامل گروه‌های سازمان یافته خواهد بود». بدین سان، «شهرک‌ها و قصبات و دهات کشور دارای هسته‌های مقاومت بسیج خواهند بود. بر اساس ماده ۴۰ این اساسنامه، در رده‌های اجرایی بسیج به تناسب اقشار و صنوفی که تحت پوشش آن بسیجند، یک نفر از هر قشر و صنف از افراد موجه و قابل اعتماد و یک نفر از روحانیون موجه محل به سرپرستی مسئول واحد بسیج مربوطه، شورای بسیج را تشکیل می‌دهند. این شورا برای مسئول بسیج شورای مشورتی خواهد بود و تصمیم گیرنده نهایی مسئول بسیج است». در تبصره این ماده آمده است: «روحانی شورا باید به تأیید مقام رهبری یا نماینده‌ای که در سپاه تعیین نمایند، یا نماینده نماینده رهبری در هر رده برسد. دیگر اعضای شورا به وسیله مسئول بسیج و روحانی شورای مربوطه تعیین می‌شوند». به لحاظ ساختاری، مطابق ماده ۴۱، افراد ارتش بیست میلیونی به صورت زیر دسته‌بندی می‌شوند:

اول، اعضای عادی: عموم اقشار معتقد به قانون اساسی جمهوری اسلامی و اهداف انقلاب اسلامی که پس از گذراندن دوره آموزش عمومی به عضویت عادی ارتش بیست میلیونی (بسیج مستضعفین سپاه پاسداران انقلاب اسلامی) درآمده و سازماندهی می‌شوند و در حدود قوانین و مقررات فعالیت‌های پشتیبانی و رزمی زمان جنگ و همچنین فعالیت‌های عمرانی، خدماتی، اجتماعی، سیاسی و اطلاعاتی خواهند داشت. دوم، اعضای فعال: افرادی هستند که پس از گذراندن دوره‌های آموزش عمومی سازماندهی شده و با تداوم آموزش و برنامه‌های ویژه انسجام آنها حفظ خواهد شد. سوم، اعضای ویژه: این دسته افراد فعالی هستند که صلاحیت‌های یک پاسدار را دارا می‌باشند و پرونده آموزشی و فردی دارند و به هنگام نیاز سپاه، به طور تمام وقت



در اختیار سپاه قرار می‌گیرند. این افراد دارای کارت مخصوص بوده و در رابطه منظم با سپاه هستند.

بر اساس ماده ۴۲، همه افراد و مسئولان واحدهای ستادی بسیج و فرماندهان مراکز بسیج و فرماندهان منطقه مقاومت (در شهرها) از پاسداران خواهند بود. فرماندهان ناحیه مقاومت، پاسدار یا از اعضای ویژه بسیج، فرماندهان پایگاه مقاومت از اعضای ویژه و فرماندهان گروه‌های مقاومت از اعضای فعال خواهند بود (اساسنامه بسیج مستضعفان^۱، ارجاعات دیگر به این اساسنامه از همین نشانی است).

روایت کامیونتریانیسم اترزیونیایی از چگونگی شکل‌گیری و تداوم ارزش‌های اجتماعی و سازگاری آن با حق خودمختاری افراد، بیانگر آن است که بسیج مستضعفان انقلاب اسلامی، همان‌گونه که شکل‌گیری آغازین آن نشان می‌دهد، می‌تواند به‌مثابه یک سازمان مردم‌نهاد در جامعه نقش‌آفرینی کند. این سازمان فارغ از تحمیلات و مداخلات دولتی، اولویت اخلاقی ارزش‌های جمعی را با اتکا به خواست و تقاضای افراد ارزش‌مدار مدنظر قرار می‌دهد؛ زیرا آن‌گونه که در اساسنامه آمده، بدنه اصلی این سازمان را داوطلبانی تشکیل می‌دهند که شبکه‌های قدرت و ثروت آنان را به دور هم گرد نیاورده است. آنان گنجینه ارزشمند جامعه خود را با اتکا به توانایی‌های عقلانی و احساسی خود پاس می‌دارند. در این معنا، اخلاق مشارکت، تبلور آشکاری در این سازمان مردم‌نهاد پیدا می‌کند؛ تعهدات اخلاقی با حقوق اجتماعی گره می‌خورد و شهروندانی فعال را به‌وجود می‌آورد که کنشگری اجتماعی را راهی برای نمایان‌سازی هویت خود می‌نگرند.

بدین ترتیب، شاخص‌های اصلی سازمان‌های مردم‌نهاد مانند عضویت ارادی، عدم وابستگی به دولت، تلاش جهت ارائه خدمات عمومی، حمایت از سیاست عمومی یا تأثیرگذاری مسالمت‌آمیز بر آن، دسترسی به اطلاعات و تخصص‌های فنی منحصر به فرد و ظرفیت‌آفرینی برای بازسازی اجتماعی بر بسیج مستضعفان انطباق دارد. همچنین وجود گونه‌های اخلاق مشارکت در این تشکل انقلابی نیز بر سازمان مردم‌نهاد بودن آن دلالت دارد.

۲. گونه‌های اخلاق مشارکت در سازمان مردم‌نهاد بسیج مستضعفان

هنجارها و جماعت‌های ارادی مذهبی پایدار و ریشه‌دار مانند قربانی کردن، اطعام فقرا و مساکین، قرض‌الحسنه، خدمت در اماکن مذهبی و به‌طور محدودتر، تشکیل مدارس مذهبی و درمانگاه‌های خیریه، همگی ابعادی از سیاست اجتماعی هم‌نواگر را

1. <http://rc.majlis.ir/fa/law/show/90595>



بازنمایی می‌کند. جنبش فراگیر انقلابی می‌توانست در مرحله پس از تثبیت نظام نیز به گسترش این فرهنگ یاری رساند. اجزای ماتریس نهادی یک جامعه، فقط نهادهای رسمی نیستند. نهادهای غیررسمی نیز از جمله اجزا و ارکان مهم مجموعه نهادهای یک جامعه هستند. آداب و رسوم اجتماعی، میثاق‌های خانوادگی، دلبستگی‌های قومی، هنجارهای همسایگی و هنجارهای ناظر بر سلوک و رفتار مذهبی می‌توانند در سیاست اجتماعی نقش آفرینی کنند (ابراهیمی، ۱۳۸۹، ص ۴۸؛ See, Casson, et.al, 2010)

بهترین نمونه‌ها برای این کنش‌ها، وام‌ستانی‌های خانوادگی و محلی، کمک بستگان و آشنایان به مخارج عروسی و عزاداری، کمک روستاییان به یکدیگر در هنگام درو و خرمن‌چینی، آبگیری، شخم، تعمیرات منزل مسکونی و مانند اینهاست که از وجود بستری اجتماعی حکایت می‌کند (برای گونه‌شناسی انجمن‌های داوطلبانه در ایران، رک: سرایی و همکاران، ۱۳۸۱؛ و برای نمونه‌هایی از جماعت‌های هم‌واگرا در ایالات متحده و برخی کشورهای اروپایی، رک: Harrington, 1992 & Pio, 2010). این کنش‌ها در بستر نهادهای غیررسمی جریان دارند. وجود این هنجارها در نهادهای غیررسمی و خویشی - خانوادگی، سرشتی از نوع همکاری و همیاری و نه رقابت دارند. اهمیت این نهادها بدان خاطر است که با سنت، پیوندی دیرین و عمیق دارند که تبدیل و تغییر آنها را بسیار دشوار می‌سازد. فزون‌تر، این نهادها نسل‌های پیاپی، نقش مهمی در ساماندهی امور فردی و اجتماعی ایفا کرده‌اند. بر این اساس، نهادهای غیررسمی می‌توانند به ادغام اجتماعی، انسجام اجتماعی و پاسخگویی کمک کنند. پیامد این متغیرها را می‌توان در کاهش فقر، افزایش سطح درآمد، عادلانه‌تر بودن نظام توزیع، کاهش یا حذف تنش‌های اجتماعی، افزایش مشارکت و توزیع همگن‌تر قدرت دید (معینی، ۱۳۸۲، صص ۱۰۵-۱۰۸).

۱.۳. تأمین امنیت نرم‌افزاری و سخت‌افزاری

در اساسنامه واحد بسیج مستضعفان و برنامه‌های توسعه جمهوری اسلامی ایران، بر مشارکت این سازمان مردم‌نهاد در تأمین امنیت نرم‌افزاری و سخت‌افزاری تأکید شده است. در ماده ۳۵ اساسنامه بسیج مستضعفان، هدف از تشکیل واحد بسیج مستضعفین، ایجاد توانایی‌های لازم در همه افراد معتقد به قانون اساسی و اهداف انقلاب اسلامی به منظور دفاع از کشور و نظام جمهوری اسلامی دانسته شده است. بر اساس ماده ۳۶ نیز، وظایف بسیج به شرح زیر می‌باشد:

- ۱- آموزش نظامی در حد توانایی دفاع از جمهوری اسلامی ایران و تمامیت ارضی کشور؛
- ۲- تعلیم و تربیت در زمینه‌های عقیدتی، سیاسی و تخصص‌های مورد نیاز؛
- ۳- سازماندهی اعضای بسیج؛



۴ - تهیه طرح‌های دفاعی با هماهنگی سایر ارگان‌های ذیربط. تبصره ۱ بند ط ماده ۱۹۶ برنامه پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران، «فصل هفتم؛ دفاعی، سیاسی و امنیتی» در رابطه با «امور دفاعی» بر امنیت سخت‌افزاری دلالت دارد. بر اساس این تبصره، «به سازمان بسیج مستضعفین اجازه داده می‌شود از محل اعتبار مصوب خود، حمایت لازم را برای تأمین پوشش بیمه‌ای و جبران خسارت‌های ناشی از به‌کارگیری بسیجیان فاقد پوشش بیمه‌ای در مأموریت‌های مختلف به‌ویژه دفاعی، امنیتی و کاروان‌های راهیان نور به‌عمل آورد». در دو مورد مشخص نیز، تأمین امنیت نرم‌افزاری به عنوان کارویژه بسیج ذکر شده است (لایحه برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران^۱). بند ه ماده ۱۹۶ برنامه پنجم توسعه «پشتیبانی و کمک به مقابله با جنگ نرم در حوزه‌های مختلف با اولویت حضور فزاینده در فضای مجازی و رایانه‌ای (سایبری) با رویکرد بومی» را مورد تأکید قرار می‌دهد. همچنین، بند ط ماده ۱۹۶ این برنامه «پشتیبانی از رده‌های مقاومت بسیج جامعه زنان به‌ویژه در فعالیت‌های مربوط به توسعه فرهنگ عفاف و حجاب و تحکیم بنیاد خانواده» را به‌مثابه راهکاری برای مقابله با جنگ نرم دشمن بیان می‌کند.

۲,۳. فعالیت در زمینه‌های آموزشی، بهداشتی، فرهنگی و عمرانی

در تبصره ۲ بند ط ماده ۱۹۶ برنامه پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران به کارویژه فعالیت در زمینه‌های آموزشی، بهداشتی، فرهنگی و عمرانی برای بسیج مستضعفان تصریح شده است: بر اساس این تبصره، به دستگاه‌های اجرایی اجازه داده می‌شود متناسب با میزان آمادگی سازمان بسیج سازندگی، اجرای بخشی از فعالیت‌های آموزشی، بهداشتی، فرهنگی و غنی‌سازی اوقات فراغت و پروژه‌های عمرانی خود از قبیل احداث و تعمیر مساجد، مدارس و خانه‌های بهداشت روستایی، بیابان‌زدایی، جنگل‌کاری، آبرسانی به روستاها و همچنین در مناطق محروم، روستایی و مرزی را به آن سازمان واگذار نماید تا با استفاده از نیروهای داوطلب بسیجی و مردمی و جوانان و متخصصان به نحو سازمان‌یافته، اجرا نمایند.

۳,۳. امداد رسانی در هنگام بروز بلایای طبیعی

در ماده ۳۵ اساسنامه به دنبال ایجاد توانایی‌های لازم در کلیه افراد معتقد به قانون اساسی و اهداف انقلاب اسلامی به منظور دفاع از کشور و نظام جمهوری اسلامی، «کمک به مردم هنگام بروز بلایا و حوادث غیرمترقبه با هماهنگی مراجع ذیربط» نیز به عنوان هدف از تشکیل واحد بسیج مستضعفین تصریح شده است.

۱. http://rc.majlis.ir/fa/legal_draft/show/771977. ارجاعات دیگر به این برنامه از همین نشانی است



۴. درون‌مایه‌های اصلی اخلاق مشارکت در سازمان مردم‌نهاد بسیج مستضعفان
 بنا بر «گفتمان نوشتاری» سازمان مردم‌نهاد بسیج مستضعفان انقلاب اسلامی، درون‌مایه‌های اصلی اخلاق مشارکت این سازمان را می‌توان پایه‌گذاری مفاهیم خیر بر بنیان‌های مشترک جماعت‌های خاص و نقش انتخاب‌های فردی در ارزش‌گذاری‌های مؤثر دانست. ذیلاً تلاش می‌گردد تا ساختار دلالتی آن توضیح داده شود. این ساختار افزون بر معنای مستقیم اولیه و لفظی، بر معنای غیرمستقیم ثانوی و رمزی نیز دلالت دارد. فرایند تفسیر متن در نگاه ریکور مشتمل بر سه عنصر تبیین^۱ و فهم^۲ و به خود اختصاص دادن^۳ است. عنصر تبیین که به آن جنبه «عبارتی»^۴ نیز گفته می‌شود، بعد زبان‌شناختی دارد و به بررسی نظام واژگان و ساختار زبانی حاکم بر متن و سطوح ارتباطات لفظی متن می‌پردازد. تفسیر از این مرحله شروع می‌شود و به عنصر فهم، که درک «مفاد»^۵ متن است، می‌رسد. عنصر سوم که جنبه فراعبارتی^۶ نامیده می‌شود، ناظر به درگیر شدن مفسر با معنای متن است. این تلاش دستیابی به معنای پنهان و پس‌متن نیست، بلکه چیزی است که پیش روی متن آشکار می‌شود. متن در سایه رویکرد تفسیری پیش روی خود، دنیایی را برای مفسر می‌گشاید که به او اختصاص دارد. بدین‌سان، گفتمان ریکوری جنبه فرا عبارتی و ارتباط با حالات و موقعیت مخاطب دارد. در این سطح، تفسیر واجد ویژگی «به خود اختصاص دادن»^۷ و «خویش‌تن تفسیری»^۸ دانسته می‌شود؛ به گونه‌ای که درک بهتر از خود و تفسیر متعلق به زمان حضور مفسر را نتیجه داده و فاصله زمانی میان اثر و مفسر را از میان می‌برد (ر.ک: ریکور، ۱۳۸۴؛ ریکور، ۱۳۸۶؛ ریکور، ۱۳۹۲؛ سعیدی روشن، ۱۳۸۳).

۱.۴. پایه‌گذاری مفاهیم خیر بر بنیان‌های مشترک جماعت‌های خاص

در فرایند تفسیر متن اساسنامه بسیج مستضعفان، لازم است به ویژگی کل‌گرایانه و ترکیبی آن توجه کنیم. او فرایند تفسیر متن را فرایندی کل‌گرایانه^۹ و ترکیبی^{۱۰} می‌داند؛ یعنی متن را باید به چشم یک کل نگریست و در پی فهم مقصود آن بر آمد و نه کنار هم نهادن معانی تک تک متن جملات. در این هنگام، برخی عناصر تشکیل‌دهنده آن،

1. Explanation
2. Understanding
3. Appropriation
4. Locationaly
5. Meaning
6. Perlocationaly
7. Appropriation
8. Enterpretation Self
9. Holistic
10. Camalative



اصلی و برخی دیگر، فرعی تلقی می‌شوند. بدین لحاظ، یک متن در منظرهای گوناگون، متنوع و مختلف نگریسته می‌شود. در هر منظری، برخی عناصر اصلی و برخی دیگر، فرعی نگریسته می‌شوند؛ از این رو، یک متن گشوده به سوی تفسیرهای گوناگون است. در گام نخست، پرسش از تقدم فرد یا جماعت بر دیگری مطرح است. هویت‌گرایی فردی به گزینش‌های افراد و کنش‌های ارادی آنان اولویت می‌دهد. در این فرض، جامعه وهم و خیال تصور می‌شود که موجودیتی جدا از افراد تشکیل‌دهنده خود ندارد. در این معنا، جامعه غیر ضروری یا اساساً فاقد موجودیت تلقی می‌شود. اگر جامعه صرفاً به‌مثابه منبعی برای نمایش اقتدار و ایجاد نظم اجتماعی نگریسته شود و یگانه مرجع برای ارائه الگوهای رفتاری حاکم بر افراد تلقی گردد، آزادی‌ها و حقوق فردی و به همین ترتیب، خلاقیت و نوآوری^۱ دچار نارسایی خواهد گردید و به دنبال آن، ناکارآمدی جامعه رقم خواهد خورد. جامعه را نمی‌توان مجموعه‌ای از افراد دانست که به هدف آسایش و راحتی گرد هم می‌آیند، زیرا قیود و محدودیت‌های اجتماعی به‌مثابه نقشی تعدیلی در نیروهای گریز از مرکز عمل می‌کنند و با حفظ و تقویت ارزش‌های عمومی و معیارهایی را برای تصمیم‌سازی خرد و کلان فراهم می‌کنند. افراد موجوداتی اجتماعی‌اند و در برابر هم وظایف و تعهداتی دارند. خودمختاری و استقلال فردی در خلأ شکل نمی‌گیرد، بلکه در فرایند زندگی همگانی با یکدیگر تکوین یافته و اعمال می‌گردد. تعهدات اجتماعی و استقلال فردی پیوندی ناگسستنی دارند و انکار این پیوند تهدیدی برای هر دو به شمار می‌آید. فرد فارغ از پیوستگی‌ها و دل‌بستگی‌های اجتماعی، موجودیت واقعی خود را از دست می‌دهد و جامعه بدون لحاظ افراد به‌مثابه عناصری سازنده و خلاق، نمی‌تواند وجود داشته باشد (Etzioni, 1996, pp 155-156).

۲.۴. نقش انتخاب‌های فردی در ارزشگذاری‌های مؤثر

در گام دوم، محور اصلی بحث از اخلاق مشارکت در سازمان مردم‌نهاد بسیج مستضعفان بر پایگاه اخلاقی رفتار فردی و زیست همگانی متمرکز است. پرسش مهم این است که پایگاه اخلاقی تعهدات و ارزش‌های مشترک چیست؟ بر اساس نگرش‌هایی فردی، افراد در مورد زندگی نیک دیدگاه‌های متفاوتی دارند که هر یک رفتارهای گوناگونی را برای آنها مجاز می‌شمرد. اما ورود قدرت دولتی به عرصه فرهنگ عمومی و زندگی اخلاقی، فرایند گزینش و عمل آزاد را با اخلال روبه‌رو می‌سازد و چه بسا به تبعیض و نابرابری منجر شود؛ زیرا نمایان شدن جهت‌گیری و اقدام ویژه دولتی در پس زندگی خوب موجب می‌شود تا برخی دیدگاه‌ها و رفتارها که با آن در منافع و سمت و سو



تناسب و سازگاری دارد، تقدم پیدا کنند و تبعیض‌ها و محرومیت‌های ناروا و نابرابر بر سایر دیدگاه‌ها و رفتارها اعمال شود. به همین ترتیب، سیاست اجتماعی نیز با اتکا به توان فرد تنظیم می‌گردد و باید ارتقای ظرفیت‌های انسانی محور هرگونه توسعه اجتماعی قلمداد گردد. شناسایی حقوق و آزادی‌های فردی رشد جامعه را در گرو پیشرفت فرد می‌داند (Etzioni, 1996, p 159).

۵. همنشینی مسئولیت‌های اجتماعی و حقوق فردی

اگر همنوایی جماعتی را حرکت به سوی مردم‌گرایی در سیاست اجتماعی بدانیم، راهی فردی فاصله گرفتن از آن خواهد بود. در این فرض، مردم‌گرایی جدید، راهی اعتدالی است که از ترکیب بهینه شعارهای جماعت‌گرایانه و فردگرایانه به دست می‌آید. در سیاست اجتماعی نخست، برنامه‌ریزی عمومی بر پایه یکسانی جامعه و ساختار فرهنگی گذشته انجام می‌پذیرد؛ به گونه‌ای که پاسداشت این ساختارها و تداوم آن حاکم بر ذهنیت سیاستگذاران کلان جامعه بوده است. اما در سیاست اجتماعی دوم، اولویت نگرش فردگرایانه آفرینش عرصه‌های جدید زندگی را در تحقق کامل ظرفیت‌های انسانی جست‌وجو می‌کند؛ به گونه‌ای که سیاست‌های اجتماعی به ارزش‌های فردی و انتخاب‌های نوشونده هر یک از بازیگران عرصه اجتماع اولویت می‌بخشند. در مقابل مردم‌گرایی جدید از سویه‌های افراطی هر یک از دو سیاست اجتماعی رقیب فروکاسته و تلاش می‌کند تا ضمن پاسداشت ارزش‌های نهادینه و استوار اجتماعی، مسیر تجدیدنظرطلبی عقلایی و سنجیده را در این ارزش‌ها هموار نماید. در نگاهی آسیب‌شناختی، بستن فضای نقد اخلاقی و اجتماعی مناسبات حاکم به تصلب و کاهش پذیرش همگانی آن منجر خواهد شد. تأکید بر روایت رسمی بدون حق بازنگری افراد تهی ساختن ارزش‌ها از پیش‌زمینه اجتماعی تداوم آنها خواهد بود. جاودانگی اصول بنیادین و ثابت نیز پیوند آشکاری با انتخاب و گزینشگری آزاد افراد جامعه دارد. فرهیختگی و تعالی اخلاقی به جای اجبار عمومی و مطلق‌انگاری ساختارهای تاریخی، رشد اخلاقی انسان‌هایی را می‌طلبد که چه حمایت از ارزش‌های موروثی و چه بازنگری در آن ارزش‌ها را در مسیری تکاملی و به دور از انتخاب‌های هوس‌مدارانه و گذرا مدنظر قرار می‌دهد.

گریز از دو قطبی شدن مباحثات نظری و استدلال‌های ضد و نقیض در حمایت یا مخالفت با جامعه و فرد، تنها در صورتی امکان‌پذیر است که با استعاره از دو مفهوم «من» و «ما» به درهم تنیدگی و پیوند اجتناب‌ناپذیر دو عنصر اساسی وجود اجتماعی، یعنی جامعه و فرد اذعان کنیم. «من» نمایشگر اعضای جامعه است و «ما» به نیروهای



فرهنگی، تاریخی، اجتماعی، سیاسی و سازمانی دلالت دارد. دو مفهوم «من» و «ما» حکایت از آن دارد که افراد در یک بافت اجتماعی عمل می‌کنند که به کنش‌های آگاهانه یا ارادی افراد قابل تقلیل نیست. استعاره «من» و «ما» تضادهای اجتماعی زندگی مدرن را نفی نمی‌کند. فزون‌تر، آشکارا از یک تنش ژرف و پردامنه حکایت دارد. در یک سو، برخی افراد تلاش دارند ارزش‌ها و دل‌بستگی‌های خود را با ایجاد تحول اجتماعی بازتاب دهند و در دیگر سو، جامعه در پی تحمیل ارزش‌ها و نیازهای اساسی خود بر افراد و تعیین چارچوب‌های رفتاری آنان است. گستردگی این تنش می‌تواند هزینه‌های فزاینده‌ای را به بار آورد اما کنترل و تعدیل این تنش به‌طور همزمان جامعه را از دو مزیت بهره‌مند می‌سازد. فرد شورشگر مجموعه‌ای ارزشمند از خلاقیت‌ها و آفرینش‌های نو را فراروی جامعه می‌نهد و فرد اجتماعی با خدمت‌رسانی به نیازهای مشترک جامعه از فضیلت‌های اجتماعی پاسداری به عمل می‌آورد (Etzioni, 1996, pp 157-8).

۶. دستاوردهای پژوهش

مطالعه موردی این پژوهش نشان می‌دهد، اخلاق مشارکت در سازمان مردم‌نهاد بسیج مستضعفان به نحو فزاینده بر پایه‌گذاری مفاهیم خیر بر بنیان‌های مشترک جماعت‌های خاص ابتدا دارد تا بر انتخاب‌های فردی در ارزشگذاری مؤثر. بر این اساس، در بررسی متون ناظر به درون‌مایه‌های اصلی اخلاق مشارکت در این سازمان مردم‌نهاد، هم‌نویی جماعتی بیش از شناسایی تفاوت‌ها به چشم می‌خورد. کاملاً آشکار است که این اولویت‌بخشی با اتکا بر پیش فرض وجود تعارض بین این دو عنصر در سامان دادن به مناسبات اجتماعی و سیاسی است. در این معنا، ارزشگذاری‌های فردی، تضعیف و نابودسازی اصول بنیادین جماعت‌های فرهنگی را به بار خواهد آورد. کامیونتریانیسم اتریزیایی با پیوند دادن دو مفهوم «من» و «ما» در تلاش است تا این دو گانه‌پنداری سنتی را تعدیل کند. مفهوم «من» و «ما» نگرش معتدل و میانه‌رو را فراروی سیاست اجتماعی ارائه می‌کند که هم به ارزش‌های مشترک و دل‌بستگی‌های اجتماعی به‌مثابه عنصر اساسی جامعه اهمیت می‌بخشد و هم به افراد به عنوان گزینشگران راه و هدف زندگی اجتماعی از میان راه‌ها و هدف‌های فراوان و بازاندیشان در راه و هدف گذشته توجه دارد. هم حقوق فردی (و خلاقیت) و هم مسئولیت‌های اجتماعی (هم‌نویی) لاجرم برای رشد و بالندگی و تداوم و پیوستگی نیازمند بهره‌گیری از ویژگی ممتاز طبیعت انسانی‌اند. در اینجا، نیاز به راهنمایی‌هنجاری جماعت‌های ارادی و داوطلبانه تضمین‌کننده هم‌نویی اجتماعی است اما جست‌وجوی طبیعت انسانی راهی به سوی پرهیز از نابرابری‌ها و بی‌عدالتی‌ها فراروی ما می‌گشاید. درک درست از طبیعت



انسانی، بازسازی اندیشمندانه و عقلایی ساختارهای فرهنگی و تاریخی را در فرایند تحقق جامعه‌ای عادلانه و بهره‌مند از مناسبات غیر تبعیض‌آمیز و تحمیلگر امکان‌پذیر می‌سازد (Etzioni, 1996, pp 157-8).

فزون‌تر، باور به این تعارض رویکرد قدرت‌محور و دولت‌گرا را در پاسداشت ارزش‌های اجتماعی تقویت می‌کند. رویکرد دولت‌گرای سازمان مردم‌نهاد بسیج مستضعفان را می‌توان در ارتباط سیستماتیک آن با سپاه پاسداران و حمایت‌های مالی و اداری گسترده دولت از آن ردیابی کرد. در ادامه، این دو مورد به تفکیک توضیح داده می‌شود: نخست، ماده ۹ فصل دوم اساسنامه سپاه «برنامه‌ریزی، سازماندهی، اداره و فرماندهی و اجرای آموزش‌های عقیدتی، سیاسی و نظامی اعضای بسیج مستضعفین بر طبق موازین اسلامی» را در شمار مأموریت‌های سپاه می‌داند. ماده ۱۵ فصل سوم در رابطه با تشکیلات، مسئولیت فرمانده کل سپاه را «در زمینه‌های پرسنلی، آموزش نظامی، آموزش عقیدتی سیاسی، تبلیغات و انتشارات، تدارکات، لجستیک، اطلاعات، طرح و عملیات، امور مربوط به بسیج مستضعفین» بیان می‌کند و برای اجرای این مسئولیت واحدهای پرسنلی، آموزش نظامی، آموزش عقیدتی - سیاسی، تبلیغات و انتشارات، تدارکات و لجستیک، اطلاعات، طرح و عملیات، بسیج مستضعفین، مهندسی ایجاد می‌گردد. در تبصره این ماده آمده است: «محتوا و برنامه‌های آموزش عقیدتی و سیاسی و انتشارات و تبلیغات باید به تأیید مقام رهبری یا نماینده‌ای که در سپاه تعیین نمایند، برسد». در ماده ۲۴، ستاد مرکزی سپاه پاسداران شامل واحدهای امور پرسنلی، آموزش نظامی، آموزش عقیدتی - سیاسی، انتشارات و تبلیغات، اطلاعات، طرح و عملیات، بسیج مستضعفین و مهندسی دانسته شده که تحت ریاست رئیس ستاد اداره می‌شود. بر این اساس، بسیج رسماً در شمار واحدهای سپاه پاسداران آمده است.

دوم، حمایت مالی و اداری از بسیج مستضعفان در همه برنامه‌های توسعه جمهوری اسلامی وجود دارد. برای نمونه، می‌توان به «فصل هفتم؛ دفاعی، سیاسی و امنیتی» در رابطه با «امور دفاعی» در برنامه پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران اشاره کرد. در ماده ۱۹۶، دولت موظف شده تا به منظور تقویت کمی و کیفی بسیج مستضعفان و حضور بیشتر نیروهای مردمی در صحنه‌های امنیت و دفاع از کشور، آرمان‌ها و مبانی اندیشه انقلاب اسلامی و توسعه فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر اقدامات و تسهیلات لازم را در طول برنامه به این شرح فراهم نماید: پشتیبانی لازم برای افزایش حداقل یک و نیم میلیون نفر بسیجی فعال و ویژه تا پایان برنامه با تأکید بر تربیت نیروی انسانی متعهد و انقلابی، حمایت از زیرساخت‌ها برای توسعه نواحی شهرستانی و رده‌های مقاومت بسیج، متناسب با توسعه و تغییرات تقسیمات کشوری، پشتیبانی از رده‌های مقاومت



بسیج و بسیج اساتید، دانشجو و طلبه در دستگاه‌های اجرایی به ویژه در فعالیت‌های پژوهشی و علمی، کمک به تعمیق ارزش‌های انقلاب اسلامی و توسعه فرهنگ و تفکر بسیجی از طریق تشکیل هسته‌های تربیتی، غنی‌سازی اوقات فراغت، توسعه فرهنگ ارزشی و استفاده از نخبگان بسیجی برای مشاوره و تولید فکر، توسعه فرهنگ عفاف و حجاب، آشنایی با مبانی اندیشه حضرت امام (ره) با اجرای طرح‌های دانشجویی، دانش‌آموزی، اقشار و رده‌های مقاومت بسیج و...

بدین‌سان، روشن می‌گردد با تثبیت انقلاب اسلامی، از مشارکت سازمان مردم‌نهاد بسیج مستضعفان در مدیریت امور عمومی کاسته شد و به تدریج کارکرد این سازمان شکل رسمی به خود گرفت؛ از این‌رو، فرایند دولت‌سازی جنبش اسلامی انتظارات در بخش خدمات عمومی را به سوی نهادهای دولتی سوق داد و نتوانست خصلت مدنی جنبش را که اتکا بر توانایی‌های مردم بود، در دوره پس از انقلاب به‌طور کامل حفظ کرده و توسعه بخشد. خصلت مردم‌نهاد بسیج مستضعفان ایجاب می‌کرده است تا شرایط برای گسترش جماعت‌های محلی و کوچک فراهم شده و نیاز به فعالیت دولت در عرصه خدمات‌رسانی کمتر و محدودتر گردد. گرچه سهم این جماعت‌ها در هزینه‌کرد مالی نسبت به اقدامات دولتی بسیار ناچیز است اما چرخش از وجه مردم‌گرای خدمات اجتماعی، کمرنگ شدن وجه هم‌نواپی جماعتی را به همراه دارد. همان‌گونه که برگزاری جشن‌ها و سوگواری‌های مذهبی کاملاً به اراده و سازمان‌دهی جامعه بستگی دارد و بدون نقش‌آفرینی و هزینه‌کرد دولت انجام می‌پذیرد، امنیت سخت‌افزاری و نرم‌افزاری، فعالیت‌ها در زمینه‌های آموزشی، بهداشتی، فرهنگی و عمرانی، و امداد‌رسانی در هنگام بروز بلایای طبیعی نیز می‌تواند تا حدود زیادی با اتکا به اخلاق مشارکت به جامعه سپرده شود. نگاه انتقادی کنونی، لزوم پشتیبانی و کمک دولت به سازمان‌های مردم‌نهاد و غیردولتی را انکار نمی‌کند، بلکه بر این مهم تأکید می‌ورزد که اتکای صرف بر کمک‌های دولتی، می‌تواند وابستگی کامل و همه‌جانبه به بار آورد و از استقلال و اتکای آن به مردم بکاهد.

نتیجه‌گیری

اخلاق مشارکت، مفهومی پر بارتر از ادعای استقلال فردی از طریق حقوق را به نمایش می‌گذارد. تأکید بر جنبه‌های جمع‌گرایانه شهروندی می‌تواند فرد را افزون بر حقوق، از طریق تعهدات نیز آزاد کند اما به این معنا نیست که با نفی برداشت انتزاعی و کم‌مایه لیبرالی از شهروندی، تأکید لیبرالیسم را بر حقوق کنار گذاریم و یک اخلاق مشارکت را که جماعت‌گرایان طرفداران پر و پا قرص آن به شمار می‌آیند، جایگزین آن حقوق



نماییم. در مقابل، برای اینکه شهروندی معنادار شود، باید حقوق و مسئولیت‌ها را متقابلاً حمایت‌گر یکدیگر تلقی کنیم؛ بنابراین، ما ناگزیر نیستیم تا میان یک شهروندی مبتنی بر حقوق که از مسئولیت‌ها غفلت می‌کند و تأکید بر مسئولیت‌ها که حقوق افراد آسیب‌پذیر را تضعیف می‌نماید، یکی را انتخاب کنیم؛ از این رو، لازم است رویکرد کل‌نگرانه‌تری به شهروندی داشته باشیم و به حقوق و مسئولیت‌ها، نه به عنوان پدیده‌هایی ذاتاً متعارض، بلکه متقابلاً حمایت‌گر نگاه کنیم.

بدین‌سان، تنش بنیادی میان حقوق و مسئولیت‌ها با یک رویکرد کل‌نگر به شهروندی قابل حل است. لیبرال‌ها به درستی بر اهمیت حقوق برای هر مفهوم کاملی از شهروندی تأکید می‌کنند. حقوق برای حل موفقیت‌آمیز مسائل اساسی جامعه مانند توزیع عادلانه منابع و حفظ نظم بسیار حیاتی است. اهمیت حقوق در آن است که فرد را به دلیل بهره‌مندی از کارگزاری سیاسی، شایسته احترام می‌داند و یک موقعیت برابر سیاسی - اجتماعی را برای افراد جامعه به رسمیت می‌شناسد. افزون بر آن، این حقوق نقش مهمی در تقویت ثبات و انسجام اجتماعی ایفا می‌کند. در زندگی واقعی، برخورد و تعارض میان انسان‌ها اجتناب‌ناپذیر است. این برخوردها اغلب بسیار سازنده‌اند و لزوماً در بردارنده خشونت نیستند. اجرای یک سیاست مناسب شهروندی می‌تواند به حل منازعات از طریق مصالحه کمک فراوانی نماید. در اینجا، حقوق می‌تواند و باید، نقش مهمی ایفا کند؛ زیرا حقوق بر این موضوع تأکید دارد که هر فرد شایسته بیشترین احترام است و نباید به مثابه ابزاری صرف برای دستیابی به اهداف نگرسته شود.

اما شهروندی را نمی‌توان تنها به مثابه آموزه‌ای که استقلال شخصی را به ما تفویض می‌کند، در نظر گرفت؛ زیرا افزون بر آن، شهروندی موقعیتی است، تأکید می‌نماید که فردیت ما در جامعه ریشه دارد. در این فرض، استقلال فردی و عمل به فضیلت مدنی لزوماً متضاد یکدیگر دانسته نمی‌شوند. هدف از فضیلت مدنی، اجتناب از وابستگی منفعلانه افراد به جامعه و گروه‌های اجتماعی است. عمل به فضیلت مدنی از آزادی و حقوق افراد پاسداری به عمل می‌آورد و می‌تواند مشکل عدم احساس تعهد فرد به جامعه را حل نماید؛ بنابراین ما نباید بسان تأکید لیبرال‌ها در مورد حقوق یا تأکید جماعت‌گرایان بر مسئولیت‌ها، صرفاً بر یک جنبه از شهروندی تأکید کنیم. در جماعت‌گرایی تقاضاها برای حقوق محدود می‌شود و تابعیت به جای شهروندی می‌نشیند. رویکرد لیبرال به مقوله تعهد که معمولاً فقط اطاعت از قانون را از ما طلب می‌کند، چنان محدود است که تنها نیم‌نگاهی به تعهد دارد. تعهدات ما را ملزم می‌کنند که در قبال نهادهای سیاسی خود حساس باقی بمانیم و به کسانی که از نظام اجتماعی



و سیاسی خود بیگانه شده‌اند، کمک کنیم تا احساس تعهد به آن را در خود پرورش دهند. در اینجا، می‌توان میان انواع مختلف مسئولیت‌ها تمایز قائل شد. وظایف دسته‌ای از مسئولیت‌ها تلقی می‌گردند که به وسیله قانون مقرر می‌شوند و برای عدم احترام فرد به آنها مجازات‌هایی تعیین می‌شود. در مقابل، تعهدات را باید داوطلبانه و تجلی همبستگی و پیوند ذهنی فرد با دیگران دانست. نشانه سلامت یک جامعه، توانایی آن در اتکا بر تعهدات به جای وظایف تحمیلی است.

منابع

الف) مقالات

۱. ابراهیمی، مهدی (۱۳۸۹)؛ دولت‌های دربرگیرنده؛ سیاست اجتماعی و نابرابری‌های ساختاری، مجله کتاب ماه علوم اجتماعی، دوره جدید، شماره ۳۴، دی
۲. الیاسی، محمدحسین (۱۳۸۴)؛ سنجش میزان اثربخشی اقدامات فرهنگی واحد بسیج خواهران در مقابله با تهاجم فرهنگی، فصلنامه فرهنگی - تربیتی زنان و خانواده، شماره ۲، پاییز
۳. بابایی طلائی، محمدباقر، اسماعیل کاوسی، علی محمدی (۱۳۹۰)؛ بررسی نقش بسیج در مقابله با تهاجم فرهنگی در میان جوانان شهر تهران، فصلنامه مطالعات راهبردی جهانی شدن، شماره ۵، زمستان
۴. براتعلی پور، مهدی (۱۳۸۹)؛ پیشگامان فضیلت و آزادی در نگرش‌های سیاسی - دینی ایران معاصر (از نهضت مشروطه تا انقلاب اسلامی)، قم، دانشگاه مفید
۵. ذوالقدر، محمدباقر، علی محمد احمدوند، شعبانعلی رضانیان (۱۳۹۰)؛ نقش بسیج دانشجویی و طلبه در مقابله با تهدیدهای نرم علیه انقلاب اسلامی، فصلنامه آفاق امنیت، شماره ۱۱، تابستان
۶. ساعد، محمدجعفر (۱۳۸۶)؛ پیشگیری از وقوع جرم و کارکرد بسیج در تضمین امنیت اجتماعی، فصلنامه مطالعات راهبردی بسیج، شماره ۳۴، بهار
۷. سزایی، حسن و زهرا قاسمی (۱۳۸۱)؛ گونه‌شناسی انجمن‌های داوطلبانه در ایران (پژوهشی در انجمن‌های حمایتی)، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره چهارم، شماره ۴
۸. سهراب صلاحی، سید محمد مهدی غمامی (۱۳۹۰)؛ نظم نوین جمهوری اسلامی ایران و کارویژه‌های بسیج، دو فصلنامه مطالعات قدرت نرم، شماره ۴، زمستان
۹. غفاری نسب، اسفندیار (۱۳۹۱)؛ نقش شهروندی فعال در بهبود کیفیت زندگی شهری، فصلنامه مطالعات شهری، سال دوم، شماره دوم
۱۰. محمدی، مصطفی، هادی عبدالملکی (۱۳۸۹)؛ بسیج سازمانی داوطلبانه؛ درآمدی بر شیوه‌های ارتباطی و هوشمندانه در سازمان‌های داوطلبانه، فصلنامه مطالعات راهبردی بسیج، شماره ۴۸، پاییز



۱۱. معینی، محمدرضا (۱۳۸۲)؛ سیاست اجتماعی، توسعه اجتماعی و نهادهای غیررسمی، مجله رفاه اجتماعی، شماره ۱۰، پاییز

ب) کتاب

۱۲. امام خمینی، سید روح‌الله، صحیفه امام: مجموعه آثار امام خمینی (س) (بیانات، پیام‌ها، مصاحبه‌ها، احکام، اجازات شرعی و نامه‌ها)، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۵
۱۳. ریکور، پل (۱۳۸۴)؛ زمان و حکایت: پیکربندی زمان در حکایت داستانی، ترجمه مهشید نونهالی، تهران، گام نو
۱۴. ریکور، پل (۱۳۸۶)؛ درباره ترجمه: اندیشه در عمل، ترجمه مرتضی بحرانی، تهران، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی
۱۵. ریکور، پل (۱۳۹۲)؛ زندگی در دنیای متن: شش گفتگو، یک بحث، ترجمه بابک احمدی، تهران، نشر مرکز
۱۶. سعیدی روشن، محمد باقر (۱۳۸۳)؛ تحلیل زبان قرآن و روش شناسی فهم آن، قم، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی و پژوهشکده حوزه و دانشگاه
۱۷. عصمتی‌پور، محمدحسین (۱۳۸۵)؛ آشنایی با بسیج، چاپ دوم، تهران، معاونت آموزش نمسا
۱۸. فالکس، کیث (۱۳۸۱)؛ شهروندی، ترجمه محمدتقی دلفروز، تهران، انتشارات کویر
۱۹. معاونت طرح و برنامه نمسا (۱۳۷۶)؛ طرح تحقق ارزش بیست میلیونی، تهران، نیروی مقاومت بسیج

ج) اینترنت

۲۰. اساسنامه بسیج مستضعفان، سایت مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، <http://rc.majlis.ir/fa/law/show/90595>، ۲۷ شهریور ۱۳۹۳
۲۱. لایحه برنامه پنج‌ساله توسعه جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۳)؛ سایت مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، http://rc.majlis.ir/fa/legal_draft/show/771977، ۲۷ شهریور

A) Article

22. Bloodgood, Elizabeth A., Joannie Tremblay-Boire, and Aseem Prakash. (2014), "National Styles of NGO Regulation", Nonprofit and Voluntary Sector Quarterly, vol. 43, 4
23. Cahill C, Sultana, F. & Pain R. (2007), "Participatory ethics: politics, practices, institutions". ACME: An International E-Journal for Critical Geographies, vol. 6, 3
24. Casson, Mark C., Marina Della Giusta, & Uma S. Kambhampati (2010), "Formal and Informal Institutions and Development", World Development, Volume 38, Issue 2, February

25. Cawley III, Michael J., James E. Martin, & John A Johnson (2000), “**A virtues approach to personality**”, Personality and Individual Differences, Volume 28, Issue 5, 1 May 2000
26. Cludts, Stephan (1999), “**Organisation Theory and the Ethics of Participation**”, Journal of Business Ethics, vol. 21, 2-3
27. Coston, Jennifer M. (1998), “**A Model and Typology of Government-NGO Relationships**”, Nonprofit and Voluntary Sector Quarterly, vol. 27, 3
28. Daley, Patrick Alvin (1991), “**Gouldner’s Views on the Public Sphere**”, Journal of Communication Inquiry, vol. 15, 2
29. Dowd, Doug (1975), “**Social Commitment and Social Analysis: The Contribution of Paul Baran**”, Politics & Society, vol. 5, 2
30. Fangerau, Heiner (2009), “**From Mephistopheles to Isaiah: Jacques Loeb, Technical Biology and War**”, Social Studies of Science, vol. 39, 2: pp. 229-256
31. Geoffroy, V. & Alain R. (2010, April), “**Strategies used by international NGOs to influence public policy. Urgence rehabilitation development**”, Newsletter N°5
32. Ghosh, B. (2009), “**NGOs, Civil Society and Social Reconstruction in Contemporary India**”, Journal of Developing Societies, 25 (2)
33. Harrington, Christine B. (1992), “**Popular Justice, Populist Politics: Law in Community Organizing**”, Social Legal Studies; 1
34. Hovey, Rebecca (2004), “**Critical Pedagogy and International Studies: Reconstructing Knowledge Through Dialogue with the Subaltern**”, International Relations, vol. 18, 2
35. Krishnan, S. Sai. (2007). “**NGO Relations with the Government and Private Sector**”, Journal of Health Management, vol. 9, 2
36. Lindh, Inga-Britt, Elisabeth Severinsson & Agneta Berg (2007), “**Moral Responsibility: A Relational Way of Being**”, Nursing Ethics, vol. 14, 2
37. Mcmillan, John, John Mcmillan & Grant Gillett (2005), “**Moral Responsibility, Consciousness and Psychiatry**”, Australian and New Zealand Journal of Psychiatry, vol. 39





38. Patry, Eric (2005), “**Assessing capability change: A case study of the impact of a North Indian NGO**”, *Social Change*, vol. 35, 2
39. Pio, Edwina (2010), “**Islamic sisters: Spirituality and ethnic entrepreneurship in Sweden**” ,*Equality, Diversity and Inclusion: An International Journal*, Volume: 29 Issue: 1
40. Plaks, Jason E., Nicole K. McNichols & Jennifer L. (2009), “**Fortune Thoughts Versus Deeds: Distal and Proximal Intent in Lay Judgments of Moral Responsibility**”, *Personality and Social Psychology Bulletin*, vol. 35
41. Russell, Glenn (2006), “**Globalisation, Responsibility and Virtual Schools**”, *Australian Journal of Education*, vol. 50, 2
42. Schweiker, William (2009), “**Responsibility and Moral Realities**”, *Studies in Christian Ethics*, vol. 22, 4
43. Shivji, Issa G. (2007), **Silences in NGO Discourse: The Role and Future of NGOs in Africa**, Paperback
44. Van Dijk, Frans, Joep Sonnemans, & Frans Van Winden (2002), “**Social ties in a public good experiment**”, *Journal of Public Economics*, Volume 85, Issue 2, August

B) Book

45. Etzioni, Amitai (1996), “**A Moderate Communitarian Proposal**”, *Political Theory*; 24
46. Jacobsson, Kerstin, Steven Saxonberg (Eds.) (2013), **Beyond NGO-ization: The Development of Social Movements in Central and Eastern Europe; The mobilization series on social movements, protest, and culture**, Ashgate
47. AcIntyre, A. (1981), **After Virtue: A Study in Moral Theory**, London, Duckworth
48. Nongovernmental organization (NGO) (2012), **Encyclopædia Britannica. Encyclopædia Britannica Ultimate Reference Suite**, Chicago, Encyclopædia Britannica

C) Website

49. <http://rc.majlis.ir/fa/law/show/90595>
50. http://rc.majlis.ir/fa/legal_draft/show/771977